



«طرز تشخیص مفعول در جمله»

۱. در جواب "چه چیز را" و "چه کسی را".

كَتَبَ عَلِيٌّ دَرَسَهُ. علی درسش را نوشت. چه چیزی را نوشت؟ درس را. درس: مفعول
ضَرَبَ الرَّجُلُ الْعَدُوَّ. مرد دشمن را زد. چه کسی را زد؟ دشمن را. عدو: مفعول

۲. افعال بعضی از باب های ثلاثی مزید که همیشه یا گاهی متعدیند، مسلماً مفعول دارند. باب های: افعال، تفعیل، مفاعلة و استفعال.
مانند: كَاتَبَتْ فَاطِمَةُ صَدِيقَتَهَا. فاطمه با دوستش مکاتبه کرد. صديقة: مفعول
اِسْتَعْفِرِ اللّٰهَ. : از خدا آمرزش بخواه. اللّٰه: مفعول

۳. اگر در ترجمه ی جمله ای حرف اضافه ذکر شود، اما آن حرف اضافه در خود جمله موجود نباشد، کلمه ی پس از روح حرف اضافه (!! (ب) (ب) مفعول است: سَأَلَ الْمَعْلَمُ الطَّالِبَ. معلم از دانش آموز سؤال کرد. "از" کو؟ نیست! پس "طالب" مفعول است؛ اما اگر آن حرف اضافه وجود داشته باشد، حرف جر حساب می شود و اسم بعدی مجرور به حرف جر. مثلاً: مِنَ الطَّالِبِ یا عَنِ الطَّالِبِ : جار و مجرور.

** توجه: حرف اضافه و متمم زبان فارسی در زبان عربی دو حالت دارد: أَلْف) آن حرف اضافه در جمله ی عربی موجود است. در آن صورت حرف اضافه و متمم، جار و مجرورند. اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْمَحَدِ. من المهد: جار و مجرور، إلى المهد: جار و مجرور (ب) یا حرف اضافه فقط در ترجمه ی آن جمله است و در اصل جمله ی عربی وجود ندارد، بنابراین آن متمم، مفعول است. قَاتَلَ الْجَيْشُ الْعَدُوَّ. ارتش با دشمن مبارزه کرد. حرف "با" در جمله ی عربی وجود ندارد، پس "العدو" مفعول است.

** توجه: بعضی از افعال متعدی گاهی یا همیشه دو مفعول می پذیرند. مانند: جَعَلَ (قرارداد)، وَجَدَ (یافت)، عَلَّمَ (یادداد)، حَسِبَ (گمان کرد)، أَعْطَى (بخشید، عطا کرد)، وَعَدَ (وعده داد)، سَلَبَ (زُبود)، سَأَلَ (سؤال کرد، درخواست کرد)، كَلَّفَ (تکلیف کرد)، رَأَى (اگر به معنی انگاشتن، فهمیدن و نظردادن و.. باشد)، أَرَى (نشان داد: ثلاثی مزید (أَرَى، يُرَى، أَرَى، إِرَاءَة / باب افعال): مربوط به پایه ی دوازدهم) و.. مَن عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَبَّرَنِي عَبْدًا. عَلَّمَ: فعلِ دومفعولی، ي: مفعول اول، حرفاً: مفعول دوم.
رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ. اجْعَلْ: فعلِ دومفعولی، ي: مفعول اول، مُقِيم: مفعول دوم.

صقیقی

